

آدورنو وقتی فکر می کند

به بهانه ترجمه فارسی
درسگفتارهای فلسفه اخلاق آدورنو

به بهانه ترجمه فارسی

درسگفتارهای فلسفه اخلاق آدورنو



آدورنو وقتی فکر می کند

به بهانه ترجمه فارسی
درسگفتارهای فلسفه اخلاق آدورنو

گروه اندیشه: یکی از مشهورترین و مکررترین گزاره‌های تشوید آورنو، «از جمله متفکران اجتماعی برجسته قرن بیستم، این بود که» زندگی غلط را نمی‌توان درست زیست». فکر و ذکر او مدت‌های مدید دیگر مسائل فلسفه اخلاق یا این سؤال بود که «آیا در روزگار ما امکان زندگی خوب هست»، سؤالی که می‌توان آن را عصاره کل تفکر او دانست.

«مسائل فلسفه اخلاق» دربردارنده هفده درسگفتاری است که در ماه زمستان ۱۳۶۳ ایراد و با نوار کاست ضبط شد. طریقه آنکه آدورنو نوار کاست را با یک اثر گذار ذهن ریزه می خواند. درسگفتارهای آدورنی متفاوت از نشان می دهد که برای مخاطبان قابل فهم از آدورنی مرسوم است، یعنی آدورنی تشرایبی بی عیب و نقص و استدلال های دقیق که در طول حیات او منتشر شد. در اینجا می توانیم فکر آدورنو را در فرایند شکل گیری اش بدون فصل بندی های مختص نوشتار و با اثری واژگان محاوره ای دنبال کنیم (او ز روی یادداشت هایش صحبت می کند). آدورنی وقتی فکر می کند، افکارش با معرفت و ثبوت حرف های او نحوه فکر کردن را تمرین کنند. خود او در ابتدای درسگفتار است و این معضل اشاره می کند که کسانی که در جلسات درس حاضر می شدند نمی توانستند مثل سایر سخنرانی ها یادداشت بردارند و چیزی را خوب ندانند تا با خود به منزل ببرند:

«املا درک می‌کنم که شما احساس نیاز می‌کنید پی‌ری سفت و سخته به دست داشته باشید، خاصه از آن‌رو که از همان آغاز مطالعات‌تان مجال چندان‌تری برای تأمل در باب تمایز یادگیری محض و یادگیری فلسفه نخواهید داشت.» چیزی که در نظر تامل به‌جز یادگیری و فکر چگونه تفکر فلسفی کنید نیست... بیدگاه من از قرار ذیل است: اولاً فلسفه عبارت است از تأمل در باب معرفت یا شناخت نه در باب انتقال بی‌واسطه اطلاعات، و هرکس که با جدیت درگیر فلسفه می‌شود باید آماده باشد خود را به دست فرایند تأمل بسپارد و البته تأمل به‌معنای فعالیت‌ی آزاد و متکی به نفس، نه اینکه توقع داشته باشد کسی لقمه را به‌وجود و در دهنش بگذارد و نه اینکه خود موضوع بحث باشد، از چنان‌که در دیگر دانش‌ها معمول است. به صورت مده‌ای حاضر آمده و یکپارچه در اختیار بگذارد.» (ص ۳۶).

البته این تنها دلیلی نیست که مخاطبان آدورنو نمی‌توانند از مباحث او یادداشت بردارند. آدورنو، به قول خود، پرهیز می‌کند از اینکه با ردیف کردن «اولا»، «ثانیا» و «ثالثا» بحث را پیش ببرد. نتوانی او از ارائه مجموعه‌ای از گزاره‌های قطعی با ذات تفکری در پیوند است که او نماینده فلسفی‌اش به شمار می‌رود، یعنی ضدیت با فلسفه به اصطلاح نظام‌مند. به جای آن، او می‌کوشد در مخاطب این حس‌رسان را به وجود آورد که در زمین‌های بحث، او با یک‌دگر و به جستجوی افکار و ملامتی بر خیزد که از دید آدورنو «نمودگار» تکاپوی بالفعل فلسفی»^۱ (ص ۳۷). گذشته از این، آنها که با تفکر آدورنو

آشنایی دارند به اهمیت درهم تنید
 «اگر نباست آدمیان همچنان به او
 کار تنها زمانی معنا دارد که مواد و
 می شوند، و روش گفته شدن آن
 خاصه در متن‌های موشوم به
 به شخوار و تکرار طوطی و از محتوای
 برابر کل این طرز فکر و این نحوه بر
 بر می‌دارم. زیرا اگر قرار بود درس‌گ
 یک یا چند نظریه، عقیده یا آموزه‌ای
 رسیده است می‌توانستید این مواد
 شخص خاصی را مبنا بپایمزد. و تازه ه
 ه داشت که می‌توانستید روی قضا
 بیشتر در آن‌ها غرق کنید» (ص ۳۸)

تمرکز اصلی درس‌گفتارها عمدتاً بر کانت است. «متفکر که در آثارش مسئله اخلاقیات (morality) کاملاً در تقابل با حوزه‌های دیگر هستی و کانت انسان است.» (کانت برای آدورنو از طرفی در حکم محتملی است برای معرفی مسائل فلسفه اخلاق از راه صحبت درباره این مسائل و روش مواجهه کانت با آنها و از طرف دیگر نشان‌دادن راه فراتر رفتن از کانت به مدد تأملات نقادانه. آدورنو از همان درس‌گفتار اول مفهوم اخلاق (ethics) را و جدان معذب اخلاقیات (morality) معرفی می‌کند: «اخلاق (ethics) نوعی از اخلاقیات (morality) است که از موعظه‌گر اخلاقی (moralizing) خویش سرشده است و متعاقب آن به گونه‌ای عمل می‌کند که گویی اخلاقیات است اما در همان حال نه اخلاقیاتی موعظه‌گر» (ص ۱۵). به اعتقاد آدورنو، مسئله فلسفه اخلاق در کانت به‌طور کلی مسأله آزادی اراده است. یعنی نوعی رفتار که تابع قانون علیت حاکم بر طبیعت نیست. کانت مسأله آزادی را در آموزه اتنی‌نومی‌ها (قضایای جدلی‌الطرفین) عرضه کرده است. در گفتارهای چهارم و پنجم و ششم به تفصیل با آنها می‌پردازد. آدورنو از طرق مختلف نشان می‌دهد که اصل یا بنیای کانت اخلاقی در کانت چیزی نیست جز خود عقل. آن‌هم عقلی که خود را از

مسائل فلسفه اخلاق

تئودور آدورنو

ترجمہ: صالح نجفی، علی عباس پیگی

ناشر: هرمس

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۲۱۵۰۰ تومان



درباره آدورنو و مسائل فلسفه اخلاق

ما به چشم مساوی نگاه می‌کند، قادر
نشدن تمایز بگذارد، نمی‌تواند به هیچ
و برکنار از تغییر می‌ماند» (درسگفتار

پس خنکوی نوعی فلسفه «آخر»
«فلسفه اولی»، می‌دانست و به
آن فلسفه اخلاق، یعنی سر حد و
ناشت. کتابی که تا دم مرگ در
فلسفه اخلاق بنویسد به دلایلی هم
نمی‌توانست نوشته شود. این بار
آموزه‌های دارای اقتدار و آمرت دیگر
راوند از طریق به‌کارگیری فرم کلمات
فکری که آدورنو بدان دلخوش بود
ست دنباله‌ای برای «مینما مورالیا»
(به معنای «یونانی») بنویسد.
او که در درسگفتارهای سال ۱۹۶۳
له‌لاد تلقی می‌شود و مفهوم علم
اشته می‌شود. در سلسله‌درس‌های
که صورت تدوین شده بالنسبه
ما رسیده - آدورنو در وهله اول
تاریخی تحول ایده‌های اخلاقی را
راط و افلاطون و ارسطو تا کانت و
های ۱۹۶۳ عمدتا بر مدار فلسفه
شتر بر حل‌نشدنی بودن ماهوی
ست می‌گذاشت.

ادامه مقاله‌ای است که هورکهایمر در ۱۹۳۳ با عنوان «ماتریالیسم و اخلاقیات» نوشته بود. جستاری مهم و محوری برای نظریه انتقادی، و همچنین ادامه صمیمه دومی که هورکهایمر با عنوان «زولیت» برای «دیالکتیک شوهرشکن» نوشته بود. درس‌های فلسفه اخلاق را درعین حال می‌توان دنباله «مینیمامورالیا» تصور کرد، و تصادفی نیست که آدورنو آن کتاب را به هورکهایمر تقدیم کرده بود. ماهیت بعضا بداهه‌گویانه درسگفتارها ایجاد می‌کند که هر ایده‌ای تا نتیجه منطقی‌اش دنبال نشود و «تفسیر صحیحی» از همه چیز ارائه نشود، یعنی متطلب در مقابل در نمی‌تواند در قالب مجموعه‌ای معتبر تجنبد. ولی همین ویژگی را از سیر تحول و تکامل تفکر آدورنو و شیوه کار کردن آن آگاه‌تر می‌کند - به‌خصوص، این ادعای او که اجازه می‌دهد به متن‌ها تا خود از زبان خود سخن بگویند و اینکه متن‌ها را با استلزامهای دیالکتیک اجتماعی‌شان سرشاخ می‌کند. براین اساس، آدورنو در سلسله درس‌های «مسائل فلسفه اخلاق» این نظر را بسیار جدی گرفت که فلسفه باید کار عملی داشته باشد، ایده‌ای که از آغاز دهه ۶۰ تا ناز او ریشه دوانده بود. البته آدورنو برای آنکه تسلیم شوهرشگری آن زمان نشده‌اشگرتسانسالیسم نشود ترجیح داد به قول خودش «به جای نان» بین شاگردانش «سنگ» قسمت کند. موضع آدورنو در این درس‌ها همان بود که بعداً در قبال جنبش دانش‌جویان در اواخر دهه ۶۰ گرفت و در نوشته‌هایی همچون «حواشی بر نظریه و عمل» و «کناره‌گیری» منعکس شد. به همین قیاس، دیالکتیک مقاومت ضروری عملی در مقابل زندگی دروغ

و غلط و معرفت صرفا نظری به زندگی راستین و درست نیز دیالکتیکی منفی می ماند.

آدورنو در تقدیمه کتاب «مینیمال موراال» به ماکس هورکهایمر می نویسد: «علم ماخوایایی که من این چیزه را از آن بدست تقدیم می کنم حوزه ای است که سالیان سالیان میدان حقیقی فعالیت فلسفه قلمداد می شد اما از وقتی فلسفه تبدیل به روش شد در ورطه غفلت فکری، تفنن معوظه گرانه و در نهایت بونه نسیان افتاده است: حوزه آموزش حیات نیک آنچه فیلسوفان روزگاری زندگی می خواندند بدل شده است به حوزه حیات خصوصی و اینک قلمرو مصرف مضح که همچون زانده فرایند تولید مادی به این سو و آن سو کشیده می شود، بی آنکه خدایتان به وجهی از آن خود داشته باشد». آدورنو در کتاب «مینیمال موراال» نوشته بود: «زندگی غلط را نمی توان درست زندگی کرد». آدورنو در این سلسله درس ها می گوشت مسئله امکان حیات اخلاقی را در دنیای سرمایه داری متأخر بررسی کند. می خواهد ببیند ادعایی که در دهه ۴۰ و ۵۰ کوران جنگ دوم و فاجعه هولوکاست مطرح کرده بود: چه نسبتی با اوضاع احوال جهان بیست سال بعد از آن دارد. آدورنو معتقد بود «زندگی خوب در بطن زندگی بد ممکن نیست». به هیچ وجه قصد نداشت راهنمایی عملی برای زندگی خوب ارائه کند ولی می خواست آنتی نومی های اخلاقی زندگی را در جهان سرپایا مدیریت شده معاصر بکاود و به وجهی سلبی به امکان واقعی حیات درست اشاره کند.

منبع: مؤخره مترجم انشالله بر کتاب «فلسفه اخلاق»

نقد درون ماندگار فلسفه

«علیه ایدالسیسم» را «مار»
فره‌گذار کرد. در سال ۱۳۸۶ ترجمه و
منتشر گردید. این کتاب نیز در کنار برخی
کتاب‌های دیگر، این دوره‌ها، به تازگی
از سوی نشر هرمس تجدیدچاپ شده
است. در این کتاب دو مقاله از تودورو
«آدورنو»، «فعلیت فلسفه» و «نقد
فلسفه خاستگاه» و یک یادداشت از
بنیامین اسنو در شرح یکی از مقالات
آمده است. «مهم‌ترین وجه مشترک
دو مقاله آدورنو نقد ریشه‌ای فلسفه
ایدئالیستی و منطق اینهمانی است؛
و همین امر نیز دلیل اصلی گزینش
و انتشار آن‌ها در قالب یک کتاب
واحد است». آدورنو به پیروی از
«فلسفه هومر» بر «نویز ماندگار» نقد
تکلیف می‌کند، به‌همین دلیل «فلسفه
قوی‌ترین و پیشرفته‌ترین نمونه‌ها را
برای نقد برمی‌گزیند و با چشم‌پوشی
از وجوه فرعی مستقیماً با ایده‌ها
و برهین اصلی موضوع نقد درگیر
می‌شود. هر زمانه گفته بود:
«ضرب‌هزده» در حریف در جایی که او
نسبت را عیب و بی‌معنایی است.»
یادداشت بنیامین اسنو که از
منظری تاریخی نوشته شده نشان
می‌دهد آدورنو در مقاله دوم با ترسیم
توضیحی فراغیاف نظری وضعیت
واقعی فلسفه (در نیمه اول قرن
بیستم) جایگاه مذکور گوانون را
روشن می‌سازد. ولی این امر به معنای
اختلاف موضع یک ناظر بیرونی و

تعمیق تکلیف برای فلسفه یا به عبارتی تعیین دقیق درون‌ماندگار نیست. نقصان اصلی درون‌ماندگاری اینست، هرچند خصلت تاریخی باشد تا مشخصه این مقاله نقش مکمل مناسبی برای تحلیل‌های مفهومی مقاله بعدی «نقد فلسفه فراعناگاه» ایفا کند. آدورنو در مقاله «فعلیت فلسفه»، که متن سخنرانی او در دانشگاه فرانکفورت است، همه مکاتب و سنت‌های فلسفی مهم نیمه اول قرن بیستم را به نقد می‌کشد. نقد درون‌ماندگار آدورنو از این مکاتب فلسفی استوار بر دو ایده اصلی است: ایده اینکه به توانایی درونی خود ذاتی خود فلسفه مربوط می‌شود. دومین ایده اصلی آدورنو به «تکرار فلسفه» مربوط می‌شود. حساسیت آدورنو نسبت به آنچه «تکرار فلسفه» می‌نامد او را به نقد ایده‌آل‌های تفکر مبتنی بر منطق ایمنی‌طلبی و شادمانی آدورنو با ایده‌آل‌ساز در اصل تفکر برای فراعناگردن آوردن تمامیت امر واقع کافی است». در اینجا

سوزان، از ایده‌آسم‌گرایی است
و کتبک و جواهرینی‌ها است
که در پی «جواهری اصل یا استگاه»
مبتدیان امر نخستین یا مبنایی برای
تئیین فلسفی جهان» می‌گردند و
«می‌کوشند تا هر آنچه هست را به
یک اصل نخستین یا مخرج مشترک
رؤف‌کننده که برضطر از آماش
(ماده، روح، فاکت، وجود، آگاهی
استعلایی و...) چیزی جز مفهومی
در ذهن آدمی نیست». ازاین‌رو،
او در نقدش نه فقط ایده‌آسم‌گرایی
المانی بلکه پوزیتیویسم منطقی،
جامعه‌شناسی معروف، شاخه‌های
اصلی نوگانت‌گرایی، پدیدارشناسی
هوسرل و هستی‌شناسی بنیادین
یادگیر که به جالش می‌کشد. ردبای
اینهمه ایده‌آستی را می‌توان تا
مقل و ششگری یکپارگی کرد.

کتابخانه آیدۀ آلیسم

پروفسور دکتر علی آل‌سیّد

اقتصاد نو

ترجمۀ: آقایان فرهاد پور

هرمس

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

مفاهیم در آستانه فروپاشی

کتاب «دیاکتیک روشنگری»، اثر مشترک تسودورو آدورنو و ماکس هورکهایمر، از مهم‌ترین اثر نظریه انتقادی می‌داند. این کتاب در ایران، اثری کاملاً شناخته‌شده است؛ در سال ۱۳۸۴ با ترجمه مراد فرهادپور، ویدای مهرگان از سوسو انتشارات گام نو منتشر شد و به‌تجاهی زیاد فروش خوبی در مجلات و روزنامه‌ها درگرفت. کتاب حاضر به‌تازگی از سوی انتشارات هرمس تجدیدچاپ شده است. کتاب به بررسی وضعیتی می‌پردازد که مکتب فرانکفورت آن را شکست روشنگری می‌داند: «روشنگری در مقام پیشروی تفکر در عام‌ترین مفهوم آن همواره کوشیده است تا آدمیان را از قیدوبند تنگ سرها و حامی و سروری آنان، از برقرار سازد. باین حال، هرگاه که کشور به تنگ‌روی روشن گشته است، درخشش فرزند فاجعه تابانک است.» (ص ۱۹) این جمله اول کتاب را می‌توان خلاصه‌ای از کل کتاب دانست. تلاش دو فیلسوف سرشناس آلمانی، همان‌طور که در مقدمه کتاب آمده، تبیین نابودی روشنگری به دست خویش» (ص ۱۲) است. دیاکتیک روشنگری نتیجه گفت‌وگوهای آدورنو و هورکهایمر در آشپزخانه نشانی‌شان در نیویورک است و همین می‌تواند نخستین توجیه برای ازم‌گسیختگی و فرم قطعه‌قطعه کتاب باشد. دشوار بتوان گفت گفت‌وگوی دو یهودی در تبعید که در سال‌های جنگ جهانی دوم اتفاق افتاده، نتیجه‌ای منطقی و منظم داشته باشد. عنوان فرعی کتاب، «قطعات فلسفی»، نیز مبین همین مسئله است. آرازیو، دیاکتیک روشنگری بیش از آنکه به سبک کتاب‌های رایج فلسفی در فضای آکادمیک باشد، بیشتر در ادامه سنت تفکر نیاپین می‌نیجه است. خواننده نباید با تصور آشنایش از آثار فلسفی سراغ این کتاب برود. نویسندگان به‌هیچ‌روی در پی گردآوری این بارهای فکر و انجم‌خیشیدن به آن‌ها در قالب کتابی واحد نیستند. از آنجا که هدف اصلی نویسندگان تبیین دیاکتیک درونی روشنگری است، کل کتاب را می‌توان مجموعه‌ای از دانست دیاکتیکی از ایده‌ها و فاکت‌های گوناگون که به هم پیوند می‌خورند و از هم جدا می‌شوند: اسطوره و روشنگری، علم و جادو و به هم می‌پیوندند و مفاهیمی نظیر دقت و صداقت فرومی‌پاشند و از بین می‌روند. دیاکتیک روشنگری کتابی است دشوار و پیچیده و این پیچیدگی بیش از آنکه نتیجه ایده‌ها و استنتاجات کتاب باشد، ناشی از فرم ویرانگر آن است که در آن هر مفهومی همواره در آستانه فروپاشی است.

در نظر نویسندگان، اگرچه هدف اصلی روشنگری‌رهای انسان از بنده اختناق سیاسی، بدبختی اقتصادی، مادی بوده و برنامه‌اش آفون‌زدایی از جهان، انحلال اسطوره‌ها و واژگونه خیالبافی به دست معرفت بوده است، ولی در نهایت خود تبدیل به اسطوره‌ای شده که همراه با بدبختی و فلاکت است. از این‌رو، تلاش نویسندگان را می‌توان معطوف به



دیالکتیک روشنگری

تئودور آدورنو، ماکس ھورکھایمر

ترجمہ: مراد فرہاد پور و امید مہرگان

ناشر: هرمس

قیمت: ۲۶۰۰۰ تومان

بنیادین دیالکتیکی دانست که درون روشنگری اتفاق می افتد و نتیجه اش رسیدن به جایی است که نقطه مقابل تمام آرزهای روشنگری است. این نقطه مشخصی که در روشنگری درست به همان چیزهایی ختم شده که ادعای گریز از آن دارد. در نظر آنها تحت شرایط موجود، نعمات بخت و اقبال، خود به عناصر فلاکت و بدبختی بدل می شود. و تصور این نعمات - که در فقدان یک سوزده اجتماعی و طی بحران های دورانی اقتصادی اصرار گذشته شکل به اصطلاح مازاد تولید را به خود می گرفت - امروزه موجد تهدید بین المللی فاشیسم است؛ پیشرفت به بسترش بدل می شود. این واقعیت که کارخانه بهداشتی و همه متعلقات آن، از خودروی ملی گرفته تا پیراهن و مدیانی، برابادی خودسرانه متناظریند آن هنوز فی نفسه مهم نیست بلکه مهم آن است که همه این موارد، در متن کلیت اجتماعی خود به نوعی متناظرین بدل می شود. بزرگاری به نوعی حجاب ایدئولوژیکی که در پس آن فرجامی هولناک ندرک می شود؛ این پیشنهاد بنیادین قطعات فلسفی آدورنو و هورکهایمر در کتاب حاضر است.

مقاله نخست کتاب که شالوده نظری را برای مقالات بعدی فراهم می‌کند تلاشی است برای فهم بیشتر و بهتر درم‌تنبیدی عقلانیت و واقعیت اجتماعی و همچنین درم‌تنبیدی گسترده و سلطه بر طبیعت که از اوایل جوامعی ناپایدار است. هدف از نقد روشنگری در این بخش از کتاب، ساختن راهی برای طرح مفهومی ایجابی از روشنگری است که آن را از درگیری و گره‌خوردگی‌اش با سلطه کور‌ها می‌کند. به بیان کلی، بخش انتقادی مقاله در این دو تیر خلاصه می‌شود: اسطوره همواره، از قبل روشنگری است و روشنگری به اسطوره رجعت می‌کند. این تیرها، در دو ضمیمه تشریحی کتاب، «اودوسوسو با روشنگری» و «ولیت با روشنگری و اخلاق» بر حسب موضوعات مشخص ساخت و پرداخت می‌شوند. ضمیمه نخست ردپای دیالکتیک اسطوره و روشنگری را در اویدیسه هومر، به‌منزله قدیمی‌ترین گواه و سند تمدن بورژوازی مغرب‌زمین، دنبال می‌کند. کانون اصلی بحث در این بخش مفاهیم قربانی و کلف نفس است که در متن آن‌ها وحدت طبیعت اسطوره‌ای و سلطه روشنگرانانه بر طبیعت نمایان می‌شود و به نفاوت آن‌ها با دیدگر. دومین ضمیمه تشریحی با اندیشه‌های آنت، ساد و نیچه سروکار دارد که هر سه پیامدهای بی‌رحمانه تحقق تام روشنگری را بازنمایی می‌کند. نویسندگان در این بخش نشان می‌دهند چگونه گردن‌نهاده هر چیز طبیعی به سوزده حاکم نمایان در سلطه کور‌کرانه امر عینی و طبیعی به اوج می‌رسد. بخش بعدی کتاب «صنعت فرهنگ‌سازی» نشان‌دهنده پس‌روی روشنگری به ایدئولوژی است که تجلی و بیان نمونه‌وار خود را در سینما و رادیو می‌یابد.

بخش بعد، عناصر یهوددستیزی، که در قالب مجموعه‌ای از تزا مطرح می‌شود با پیسرفت واقعی تمدن روشننگری به جانب توش سروسکار دارد. بخش آخر کتاب نیز حاوی یادداشت‌ها و طرح‌هایی است که گاه به فضای فکری مقالات قبلی تعلق دارند و گاه صورت‌بندی موقتی مسائلی‌اند که وعده آن را به کارهای بعدی می‌سپارند. هرچند به گفته آدورنو و هورکه‌هایم بیشتر این یادداشت‌ها نوعی انسان‌شناسی دیالکتیکی مربوط است.